

ارزیابی آراء آلوسی درباره شخصیت حضرت زهرا علیها السلام در قرآن

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۱۸

خدیدجه فریادرس^۱، زهره اخوان مقدم^۲، محسن فریادرس^۳

چکیده

همواره یکی از مسائل مهم در قرآن، توجه به شخصیت و جایگاه اهل بیت علیهم السلام است. با توجه به اینکه حضرت زهرا علیها السلام نیز یکی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است و با توجه به ویژگی‌های مهم شخصیتی ایشان، جایگاه خاصی نزد قرآن پژوهان دارد. مقاله حاضر با هدف بررسی آراء آلوسی درباره شخصیت حضرت زهرا علیها السلام در قرآن، با استخراج آیات نازل در شأن آن حضرت و بهره‌گیری از روش تحلیلی-توصیفی، شخصیت ایشان را در تفسیر روح المعانی مورد واکاوی قرار داد. منابع مورد استفاده در این تحقیق در محدوده سال‌های ۱۴۰۲ الی ۱۴۳۴ هجری قمری است. طی مطالعات صورت گرفته و جستجو در نشریات و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی توسط محقق، اثر پژوهشی که موضوع مورد مطالعه پژوهش حاضر را بررسی کرده باشد، یافت نشد. محقق در پژوهش حاضر به این نتیجه دست یافت که آلوسی در تصویرپردازی شخصیت حضرت زهرا علیها السلام دچار تذبذب و سرگردانی شده است. وی شخصیت حضرت زهرا علیها السلام را در تفسیر برخی از آیات با الفاظی همچون «دارای حرمت، همراهی با پیامبر صلی الله علیه و آله در روز مباهله و برترین زن جهان» دارای فضیلت معرفی کرده است، در مواردی دیگر، آن بزرگوار را «غیر معصوم و طلبکار ناحق» نشان داده است، در پاره‌ای تردید کرده و در برخی آیات نیز خود دچار تردید شده است. در این میان، وی در توضیح بسیاری از آیات مربوط به حضرت زهرا علیها السلام، هیچگونه سخنی (در نفی یا اثبات حضرت زهرا علیها السلام) ذکر نکرده است.

واژگان کلیدی: قرآن، حضرت زهرا علیها السلام، اهل بیت علیهم السلام، آیه تطهیر، آیه مباهله،

آلوسی، روح المعانی.

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک، اراک، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: faryadres@chmail.ir

Email: dr.zo.akhavan@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران.

۳. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Email: m.faryadres@modares.ac.ir

طبق حدیث ثقلین، اهل بیت علیهم السلام در کنار قرآن یکی دیگر از منابع برای هدایت بشر در تمام زمان‌ها هستند و قرآن کریم در سوره و آیات متعددی به معرفی شخصیت ایشان پرداخته است. حضرت فاطمه علیها السلام نیز که یکی از اهل بیت علیهم السلام است به دلیل آگاهی از اسمای حسناى الهی به مقام منیع خلیفه خدا شدن نائل آمد؛ زیرا تمام عناصر محوری استخلاف در هویت آن حضرت گرد آمد. ایشان بهال (مباهله)، تطهیر، مؤدت، ایثار و اطعام مسکین، یتیم و اسیر و کوثر الهی را سالم و کامل جمع کرده و در نهایت شایسته هبوط حضرت جبرئیل علیه السلام و دریافت مصحفی شد که در آن فتنه‌های گذشته و حال ثبت و مطالب پنهان و آشکار نیز در آن مشهود بود. (جوادی آملی، بی تا، ۱۵۴/۲) آیات نازل در شأن حضرت زهرا علیها السلام به اعتقاد شیعه و اهل سنت عبارت است از: آیه ۶ سوره فاتحه؛ آیات ۳۷، ۴۳، ۵۸، ۱۴۳ و ۲۵۶ سوره بقره؛ آیات ۴۲، ۶۱ و ۱۰۳ سوره آل عمران؛ آیه ۵۴ سوره نساء؛ آیه ۳۳ سوره انفال؛ آیه ۱۱۹ سوره توبه؛ آیات ۲۴ و ۲۵ سوره ابراهیم؛ آیات ۲۶ و ۵۷ سوره اسراء؛ آیه ۱۳۵ سوره طه؛ آیات ۱۱ و ۷۴ سوره مؤمنون؛ آیات ۳۵ و ۳۶ سوره نور؛ آیه ۱۰۰ سوره شعراء؛ آیه ۶۹ سوره عنکبوت؛ آیه ۳۳ سوره احزاب؛ آیه ۲۳ سوره شوری؛ آیات ۲۲-۱۹ سوره الرحمن؛ آیات ۳۸ و ۳۹ سوره مدثر؛ آیه ۱۱ سوره بلد؛ آیه ۱۰۳ سوره بینه؛ آیات ۳۸ و ۳۹ سوره عبس؛ آیه ۵ سوره ضحی و... از این بین، آلوسی فقط در تفسیر سوره‌های کوثر و انسان و آیات مباهله، تطهیر، مؤدت، ذی القربی، اعطاء، آیه «شجره طیبه»، آیه «مرج البحرین»، آیه «برترین خانه، خانه حضرت زهرا علیها السلام» و آیه «نساء العالمین» به حضرت زهرا علیها السلام اشاره داشته و در تفسیر به دیگر آیات، هیچگونه سخنی درباره آن حضرت مطرح نکرده است. بر این اساس، مقاله حاضر با استخراج دیدگاه‌های آلوسی درباره آن آیات و تقسیم آنها به دو دسته عام و خاص، به بررسی و واکاوی آراء وی اهتمام کرده است.

گرچه درباره حضرت زهرا علیها السلام در تفاسیر و ذیل آیات مربوط (رک.، کوثر: ۶۱، آل عمران: ۳۳)، کتاب‌های سیره‌شناسی (رک.، معارف، ۱۳۹۱؛ رحمانی همدانی، ۱۳۷۸ و...)، مقالات (رک.، یعقوب بشوی، ۱۳۸۷، ص ۹۰-۵۷؛ بشوی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۴-۱۱۵؛ معارف، ۱۳۸۷، ص ۶۷-۳۵ و...) و همچنین درباره بررسی دیدگاه‌های آلوسی در مورد اهل بیت علیهم السلام (رک.، نوروزی، و دوست محمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۷۳-۱۵۵؛ قاسم پور، ۱۳۸۹، ص ۱۴۶-۱۱۳؛

حسنوندی، واکبرنژاد، ۱۳۹۰، ص ۱۲۸-۱۱۱ و ...) بحث‌های فراوانی شده است، اما تا کنون تألیفی جامع با موضوع بررسی آراء آلوسی درباره شخصیت حضرت زهرا علیها السلام در قرآن، صورت نگرفته است. در برخی از این پژوهش‌ها یا به تحلیل دیدگاه‌های مفسران و دانشمندان اهل سنت درباره اهل بیت علیهم السلام و یا حضرت زهرا علیها السلام (در برخی از آیات و سوره محدود) پرداخته شده و یا فقط به تحلیل جایگاه اهل بیت علیهم السلام در نزد آلوسی در آیه‌ای خاص، اشاره شده است. برای این اساس، مقاله حاضر در صدد پاسخگویی به این سؤالات است که آیاتی که آلوسی در تفسیر آنها از حضرت زهرا علیها السلام یاد نموده، کدام است و وی شخصیت حضرت زهرا علیها السلام را چگونه ارزیابی نموده است؟ همچنین چه نقدی بر این شخصیت پردازی وارد است؟

۲. شخصیت حضرت زهرا علیها السلام در تفسیر روح المعانی

آلوسی در تفسیر روح المعانی و در ذیل آیاتی که درباره اهل بیت علیهم السلام و حضرت زهرا علیها السلام نازل شده است، نظراتی را درباره شخصیت آن بانوی بزرگوار بیان نموده که می‌توان آنها را در دو بخش مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد: دیدگاه آلوسی در آیات مربوط به اهل بیت علیهم السلام و دیدگاه آلوسی در آیات خاصی که فقط در شأن حضرت زهرا علیها السلام نازل شده است.

۲-۱. دیدگاه آلوسی در تفسیر آیات مربوط به اهل بیت علیهم السلام

برخی از آیات قرآن یا در شأن اهل بیت علیهم السلام نازل شده است و یا ایشان مصداقی از آن آیات، معرفی شده‌اند و از آنجا که حضرت زهرا علیها السلام یکی از اهل بیت علیهم السلام است، به تبیین و بررسی دیدگاه‌های آلوسی در مورد شخصیت ایشان در آیات مربوطه پرداخته شده است.

۲-۱-۱. آیه مباهله

از جمله آیات آشکاری که خداوند در آن فضیلت اهل بیت علیهم السلام را اعلام نمود، آیه مباهله است که می‌فرماید:

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَ
نِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكٰذِبِينَ.

پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده، با تو محاجه کند، بگو: بیایید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و ما خویشان نزدیک و شما

خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم، سپس مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان

قرار دهیم. (آل عمران: ۶۱)

آلوسی در تفسیر این آیه، ضمن نقل روایات متعدد، به ذکر دو روایت در این باره پرداخته است که در آنها به صراحت، شأن نزول این آیه را در حق اصحاب کساء بیان می‌کند.

روایت اول: ابونعیم اصفهانی در کتاب *الدلائل* از ابن عباس نقل کرده است:

وقتی که ۱۴ نفر از نصاری نجران به نزد رسول خدا ﷺ آمدند که «سید» بزرگ آنها و «عاقب» صاحب‌رای آنها بود، رسول خدا ﷺ به آنها فرمود: «اسلام آوردید؟» گفتند: «اسلام آوردیم». پیامبر ﷺ فرمود: «چه زمانی اسلام آوردید؟» گفتند: «قبل از تو». پیامبر ﷺ فرمود: «دروغ می‌گویید؛ زیرا اسلام آوردن شما را سه چیز مانع می‌شود: عبادت کردن صلیب، خوردن گوشت خوک و پندار شما به اینکه خداوند صاحب فرزند است». در این هنگام آیه «إِنَّ مَثَلَ عِيسَى» (آل عمران: ۵۹) نازل شد. هنگامی که پیامبر ﷺ آیه را خواند، گفتند: «آنچه را آیه می‌گوید متوجه نشدیم». از اینرو آیه مباحله نازل شد و رسول خدا ﷺ به آنها فرمود: «همانا خداوند مرا به مباحله با شما امر نمود». گفتند: «ای ابوالقاسم به ما مهلت بده تا مشورت کنیم». سید به عاقب گفت: «به خدا سوگند همانا این مرد پیامبر مرسل است و اگر او نفرین کند، قطعاً بیچاره و درمانده می‌شوید؛ زیرا هر پیامبری که قومی را نفرین کند نه کوچک و نه بزرگ از آن قوم باقی نمی‌ماند». این در حالی بود که پیامبر ﷺ همراه با علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام به سمت مکان مباحله روانه می‌شدند و پیامبر ﷺ [به اهل بیت خود] فرمود: «وقتی که من دعا کردم شما آمین بگویید». پس اهالی نجران از مباحله ابا کرده و با پرداخت جزیه مصالحه کردند. (آلوسی، ۱۴۱۵،

۱۸۰-۱۸۱/۲)

روایت دوم: مسلم و ترمذی از سعدبن ابی وقاص نقل کرده‌اند: «هنگامی که آیه مباحله نازل شد، رسول خدا ﷺ، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام را فراخواند و عرض کرد: «خدایا! اینها اهل بیت من هستند»». (آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۸۲/۲) وی در ادامه روایات دیگری از پیامبر ﷺ و ابن عباس در مورد جریان مباحله نقل می‌کند، که تنها حکایت از حضور اهالی نجران، پرداخت جزیه در صورت مصالحه و هلاک شدن آنها با مباحله دارد.

(آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۸۱/۲-۱۸۰).

مسئله قابل توجه این است که آلوسی براساس این روایات، جریان مباحله را واضح‌ترین

دلیل بر نبوت پیامبر ﷺ و از فضایل اهل بیت پیامبر ﷺ می داند؛ زیرا از یک سو، نصارای نجران با پیامبر ﷺ مباحله نکردند و از سوی دیگر، رسول خدا ﷺ در مقام امثال «أَنْبَاءَنَا» حسن عیسیٰ و حسین عیسیٰ، «نِسَاءَنَا» فاطمه عیسیٰ و «أَنْفُسَنَا» علی عیسیٰ را به صحنه مباحله آورده است. (آلوسی، ۱۴۱۵/۲، ۱۸۱/۲) اگرچه آلوسی در این آیه به فضیلت حضرت زهرا عیسیٰ مبنی بر همراهی با پیامبر ﷺ اذعان داشته است، به فضیلت بالاتر آن حضرت در این آیه که همان «مستجاب الدعوه بودن» ایشان می باشد، هیچ اشاره ای نکرده است.

۲-۱-۲. آیه تطهیر

از دیگر آیاتی که ناظر بر افضلیت اهل بیت پیامبر ﷺ بر دیگران بوده و در اثبات امامت و رهبری ائمه عیسیٰ به آن استناد شده است، آیه ۳۳ احزاب، معروف به آیه تطهیر می باشد: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا؛ خدا فقط می خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند». آلوسی شأن نزول این آیه را چنین بیان کرده است:

از ام سلمه روایت کرده اند که گفت: «آیه تطهیر در خانه من و هنگامی که فاطمه عیسیٰ، علی عیسیٰ، حسن عیسیٰ و حسین عیسیٰ نیز در آنجا بودند، نازل شده است که [بعد از نزول آن] رسول خدا ﷺ آنان را با عبایی پوشانید. آنگاه فرمود: خدایا اینها اهل بیت من هستند، پس پلیدی را از آنها دور کن و پاک گردان». (آلوسی، ۱۴۱۵/۱۱، ۱۹۵) وی در ادامه به چند روایت درباره اینکه، فاطمه عیسیٰ، علی عیسیٰ، حسن عیسیٰ و حسین عیسیٰ از اهل بیت پیامبر ﷺ هستند، اشاره کرده است و در نهایت روایتی دیگر از ام سلمه بیان می کند که گفت: «من هم می خواستم به جمع آنها وارد شوم که پیامبر ﷺ مانع شد و به من گفت: تو خود عاقبت بخیر هستی، چون همسر پیامبر هستی». (آلوسی، ۱۴۱۵/۱۱، ۱۹۵)

صاحب تفسیر روح المعانی در مورد مفردات این آیه هم مطالبی را بیان نموده است:

درباره واژه بیت دو احتمال وجود دارد: نخست، خانه ای از چوب و خاک نه خویشاوندی و بستگان؛ در حقیقت این خانه چوب و خستی، همان خانه مسکونی پیامبر ﷺ - و نه مسجد ایشان - است و دوم خانه نسبی که به دلیل نسبی بودن، مفرد آمده و مثل آیات قبل به صورت «بیوت» نیامده است. (آلوسی، ۱۴۱۵/۱۱، ۱۹۳-۱۹۴) همچنین وی در مورد واژه «اهل بیت» معتقد است که منظور از اهل بیت کسانی هستند

که پیوند و ارتباطی نزدیک و محکم با پیامبر ﷺ دارند به گونه‌ای که از لحاظ عرفی تجمّع و سکونت آنان در یک خانه ناشایست نیست که از این افراد همسران پیامبر ﷺ و چهار نفر اهل عبا - با توجه به نزدیکی که با پیامبر ﷺ داشته‌اند - جزو اهل بیت هستند. طبق این تعریف، وی ابتدا ازواج پیامبر ﷺ و سپس اهل کساء را مشمول اهل بیت ﷺ می‌داند؛ زیرا «ضمیر «کم» در «عَنْكُمْ» و «يُطَهَّرُكُمْ» به دلیل مراعات لفظ «اهل»، به معنای «کن» است که این شیوه در نزد عرب زبانان فراوان است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۱/۱۹۴-۱۹۹)

آلوسی در نهایت بر این باور است که این آیه نمی‌تواند دلیلی بر عصمت و مصون ماندن اهل بیت پیامبر ﷺ از گناه باشد (آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۱/۱۹۹-۱۹۸)؛ زیرا اگر آیه فوق دلالت بر عصمت داشت، می‌بایست به صورت صیغه ماضی - که دلالت بر ثبوت عصمت دارد - نازل می‌شد نه مضارع؛ زیرا در حق کسی که طاهر است گفته نمی‌شود: «إِنِّي أَرِيدُ أَنْ أَطَهِّرَهُ: می‌خواهم تو را تطهیر کنم»؛ چراکه تحصیل چیزی که حاصل است، ممتنع می‌باشد (رک.، آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۱/۱۹۸).

۱-۲-۱-۲. بررسی و ارزیابی دیدگاه آلوسی درباره آیه تطهیر

اول اینکه روایات بیان شده توسط آلوسی در شأن نزول آیه، بیانگر نزول آن درباره اصحاب کساء - و نه زنان پیامبر ﷺ - در خانه ام سلمه است؛ مطلبی که مفسران شیعه و اهل سنت نیز بدان تصریح نموده‌اند. (رک.، سیوطی، ۱۴۰۴، ۵/۱۹۹-۱۳۳؛ حسانی، ۱۴۱۱، ۲/۱۳۹-۱۸؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ۴/۲۷۷-۲۶۹؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ۴/۴۶۹-۴۴۳؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ۱۶/۳۲۷-۳۲۰؛ بغوی، ۱۴۲۰، ۳/۶۳۸-۶۳۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۸/۵۵۹) دوم اینکه مقصود از «بیت» نیز هر خانه خشت و گلی نیست؛ زیرا «الف و لام» موجود در آن اشاره به خانه خاصی دارد که خانه زنان پیامبر ﷺ نیست. توضیح آنکه در آیات قبل و بعد از آیه تطهیر، خداوند از خانه‌های زنان پیامبر به دلیل زیاد بودن آنها با کلمه «بیوتکن» تعبیر نموده است: «قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» (احزاب: ۳۳) و «وَأَذْكُرَنَّ مَا بُيُوتِكُنَّ فِي بُيُوتِكُنَّ» (احزاب: ۳۴). بنابراین، این خانه که با «الف و لام» مشخص شده است، غیر از خانه‌های پیامبر ﷺ می‌باشد و بدیهی است که این خانه، بیت نبوت و رسالت است (رک.، طبرسی، ۱۳۷۲، ۲۰/۱۰۹؛ اخوان مقدم، ۱۳۹۲، ۴۳-۵۳).

سوم اینکه نظر آلوسی در مورد اهل بیت نیز قابل قبول نیست؛ زیرا از سویی، خود آلوسی

به دلیل وجود عترت - که در نسل هر مردی است- و اهل بیت -که عطف بیان یا بدل کل از کل است- در حدیث ثقلین (رک. مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۳/۱۳۳) تأکید می‌کند که زنان پیامبر ﷺ داخل در اهل بیت ﷺ - و یکی از ثقلین - نیستند (آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۱/۱۹۷). از سوی دیگر، ترکیب «أَهْلَ الْبَيْتِ» در عرف قرآن، اسم خاص است؛ یعنی هر جا در قرآن کریم این ترکیب برای پیامبر ﷺ اختصاص داده شود، منظور فقط رسول خدا ﷺ، حضرت علی ﷺ، حضرت فاطمه ﷺ و حسنین ﷺ است و بر هیچ کس حتی خویشاوندان و حتی اقربای آن جناب اطلاق نمی‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۶/۳۱۲).

از سوی دیگر توجیه صاحب روح المعانی درباره مراعات لفظ مذکور «أهل» نیز صحیح نمی‌باشد؛ چرا که لفظ «أهل» از جمله الفاظ دو وجهی است که هم ضمیر مذکور و هم ضمیر مؤنث به آن برمی‌گردد. زمخشری نیز در آیه «يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا» (نساء: ۷۵) به دو وجهی بودن لفظ «أهل» اشاره داشته و استفاده از عبارت «الظَّالِمِ أَهْلُهَا» به جای «الظَّالِمِ أَهْلُهَا» را جایز می‌داند. (آلوسی، ۱۴۰۷، ۱/۵۳۵)

چهارم اینکه قوی‌ترین استدلال بر عصمت حضرت فاطمه ﷺ و دیگر اهل بیت ﷺ دلالت همین آیه است (رک. طبرسی، ۱۳۷۲، ۱/۳۹۳)؛ زیرا افعال مضارع درباره خداوند به معنای مستقبل نیست تا با تغییر فعل مشکل حل شود؛ یعنی فقط به این دلیل که فعل با صیغه ماضی ذکر نشده است، نمی‌توان گفت تحقق این امور قطعی نیست بلکه مضارع بودن فعل در این آیه، به معنای استمرار این اراده الهی و همیشگی بودن آن است که از آن به «سنت الهی» تعبیر می‌شود؛ همانطور که امور دیگری همچون تبیین، هدایت به سنت‌های گذشتگان، توبه و توجه خدا به بنده و... در آیه ۲۶ و ۲۷ سوره نساء دارای وعده‌ای قطعی است. (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ۵/۱۷۸). بنابراین، فعل مضارع در چنین مواردی نه به معنی تحقق فعل در مستقبل، بلکه به معنی استمرار و همیشگی بودن این فعل است.

خلاصه کلام آنکه، گرچه آلوسی به نزول آیه در شأن اهل بیت ﷺ تصریح دارد، سخنان متناقض وی در مورد مصادیق اهل بیت ﷺ و عدم ترجیح بین آنها و همچنین انکار عصمت آنها بدون اثبات آن، از ضعف‌های وی در تحلیل شخصیت اهل بیت ﷺ و حضرت زهرا ﷺ که از اهل بیت ﷺ است، می‌باشد.

خداوند در آیه ۲۳ سوره شوری - که به لحاظ اشتغال بر کلمه «الْمَوَدَّةُ»، به آیه مودت مشهور است - می فرماید:

ذَٰلِكَ الَّذِي يُبَيِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ

این همان [پاداشی] است که خدا بندگان خود را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [بدان] مژده داده است. بگو: به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان. و هر کس نیکی بجای آورد [و طاعتی اندوزد]، برای او در ثواب آن خواهیم افزود. قطعاً خدا آمرزنده و قدرشناس است.

آلوسی طبق برخی اقوال و روایات، چهار نظر را درباره تفسیر «قربی» بدون ترجیح بین آنها ذکر می‌کند. چون سه مورد آن - قریش و انصار، خویشاوندان و نزدیکان هر فرد و تقرب به خداوند - حتی با ادله عقلی و نقلی نیز غیر قابل قبول است و همچنین بیان آن از حوصله این مقاله خارج است، فقط دیدگاه چهارم که مرتبط به موضوع مقاله است، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

صاحب روح المعانی طبق برخی از روایات، مقصود از «قربی» را خویشاوندان و نزدیکان پیامبر ﷺ ذکر کرده است. وی در این صورت، «فی» را ظرفیه مجازیه، «قربی» را به معنای «الأقرباء: خویشاوندان و نزدیکان» و «الْمَوَدَّةُ» را «مودت ثابت و استوار در نزدیکان» در نظر گرفته است (آلوسی، ۱۴۱۵، ۳۱/۱۳). سپس در ادامه، مصادیق «قربی» را با لفظ «قیل»، با «علی، فاطمه و فرزندان فاطمه (علیها السلام)» تطبیق داده و با روایتی مرفوع از ابن عباس می‌گوید: «وقتی این آیه نازل شد، گفتند: «ای پیامبر! نزدیکان شما که دوستی آنان واجب است، چه کسانی هستند؟» پیامبر فرمود: «علی، فاطمه و فرزندان او» (آلوسی، ۱۴۱۵، ۳۱/۱۳). وی سند این روایت را طبق نظر سیوطی در درالمنثور ضعیف دانسته است (ر.ک. سیوطی، ۱۴۰۴، ۷/۶) و تصریح می‌کند: «به فرض صحت، چنین روایتی از ابن عباس در صحیحین یا هر کتاب روایی دیگر نقل نشده است» (آلوسی، ۱۴۱۵، ۳۲/۱۳). با این وجود، وی اهمیت زیادی برای محبت اهل بیت (علیهم السلام) قائل شده و می‌گوید: «حق این است که محبت خویشاوندان پیامبر ﷺ به دلیل قرابت با وی واجب باشد، بنابراین، هر قدر قرابت قوی تر باشد، محبت، و خوب بیشتری دارد» (آلوسی، ۱۴۱۵، ۳۲/۱۳).

۲-۱-۳. بررسی و ارزیابی دیدگاه آلوسی درباره آیه مودت

اول اینکه اخبار متواتر منقول از شیعه و اهل تسنن بر وجوب مودت اهل بیت و محبت به ایشان تأکید دارد (ر.ک. عروسی حویزی، ۱۴۱۵/۴، ۵۷۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶/۴، ۸۱۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷/۱۸، ۵۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰/۲۷، ۵۹۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲/۸، ۳۱۰). همچنین دقت در حدیث ثقلین، سفینه و ...، هیچ شکی را باقی نمی‌گذارد که منظور از واجب کردن مودت اهل بیت و اجر رسالت قرار دادن آن، وسیله‌ای برای ارجاع مردم به آنها، با عنوان مرجع علمی است. از این رو، مودتی که اجر رسالت فرض شده است، چیزی ماورای رسالت، دعوت دینی و بقای آن نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷/۱۸، ۴۶).

دوم اینکه حدیث منقول از ابن عباس در منابع حدیثی و تفسیری اهل سنت، به طرق مختلفی وارد شده است؛ به نحوی که حاکم حسکانی، آن را با هشت طریق ذکر می‌کند (ر.ک. حسکانی، ۱۴۱۱/۲، ۱۴۶-۱۳۲) که بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، برخی از این طرق صحیح می‌باشند (ر.ک. معارف، ۱۳۹۱). سوم اینکه طبق سخن پایانی خود آلوسی، حضرت زهرا علیها السلام که فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله است، از همه بیشتر به وی نزدیک می‌باشد، بنابراین محبت آن بزرگوار از همه واجب تر است.

بر اساس آراء آلوسی در آیه مودت می‌توان نتیجه گرفت که هر چند وی مودت اصحاب کساء و حضرت زهرا علیها السلام (که یکی از آنهاست) را به دلیل نزدیکی با پیامبر صلی الله علیه و آله ضروری می‌داند، اما از مجموع اقوال ذکر شده در معنای «قربی»، هیچ قولی را ترجیح نداده و حتی سند دیدگاه مربوط به «اصحاب کساء» را با وجود کثرت نقل از اهل سنت (ر.ک. حسکانی، ۱۴۱۱/۲، ۱۴۶-۱۳۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷/۴، ۲۲۰-۲۱۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰/۲۷، ۵۹۵؛ بیضاوی، ۱۴۱۸/۵، ۸۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴/۶، ۷) رد می‌کند.

۲-۱-۴. آیات سوره انسان

از جمله سوره‌هایی که در شأن اهل بیت علیهم السلام و حضرت زهرا علیها السلام نازل شده است، سوره انسان به ویژه آیات پنجم تا نهم این سوره می‌باشد که بر طبق روایت مشهور از ابن عباس، زمانی که اهل بیت علیهم السلام افطار خود را بعد از سه روز به مسکین، اسیر و یتیم اعطا نمودند، این سوره نازل شده است. آلوسی در ابتدا با نقل روایت مشهور «ابن عباس»، به نزول کل سوره در شأن اهل بیت علیهم السلام و فضه، خادم ایشان، اشاره نموده است، سپس روایت «ابن مهران»

مبنی بر نزول آیه «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ» تا آخر سوره در شأن حضرت زهرا علیها السلام را نقل می‌کند. سپس با ذکر روایتی از ابن مردویه، نزول آیه «وَيُطْعَمُونَ» تا آخر سوره را در شأن حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام بیان کرده و در نهایت با نقل روایت عطا، که تنها از حضرت علی علیه السلام نام برده است، سخن خود را به پایان می‌برد (الوسی، ۱۴۱۵، ۱۷۴/۱۵).

الوسی ضمن رد دو روایت دیگر در مورد شأن نزول این سوره - انفاق به اسیران جنگی در یک روایت و یا انفاق به یک اسیر- به دلیل آحاد بودن (الوسی، ۱۴۱۵، ۱۷۲/۱۵) اصل نزول این سوره در شأن حضرت زهرا علیها السلام و حضرت علی علیه السلام را مسلم دانسته و از بین روایات، روایت ابن عباس را از همه مشهورتر می‌داند (الوسی، ۱۴۱۵، ۱۷۲/۱۵ و ۱۷۴). وی در پایان به نکته‌ای ظریف اشاره می‌کند که علت عدم ذکر حورالعین در این سوره - برخلاف مواردی دیگر که در بیان نعمات بهشتی، از آن با عنوان یکی از نعمت‌ها یاد شده است- رعایت جایگاه و حرمت حضرت زهرا علیها السلام بوده است. وی همچنین از ایشان با القاب ویژه بتول و قره عین الرسول یاد نموده است (الوسی، ۱۴۱۵، ۱۷۴/۱۵).

براساس آنچه ذکر شد، می‌توان گفت که تصریح این مفسر بر نزول آیه در شأن اهل بیت علیهم السلام و حضرت زهرا علیها السلام و بیان نکته‌های لطیف در عدم ذکر حورالعین در این سوره، حاکی از توجه وی به شأن حضرت زهرا علیها السلام در سوره انسان است.

۲-۵. آیه «شجره طیبه»

آیه ۲۴ سوره مبارکه ابراهیم یکی دیگر از آیاتی است که در شأن اهل بیت علیهم السلام نازل شده است. خداوند در این آیه می‌فرماید:

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ صَرَّبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَضَلُّهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ.

آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده: سخنی پاک که مانند درختی پاک است که

ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است؟ (ابراهیم: ۲۴)

در این آیه، «کلمه طیبه» به «شجره طیبه» تشبیه شده است که ریشه آن ثابت و شاخه‌های آن در آسمان است. این تشبیه و مثال، هر سنت، دستور، برنامه، روش، عمل، انسان و خلاصه هر موجود پاک و پربرکتی را شامل می‌شود که همه اینها همانند یک

آلوسی در ذیل این آیه، برای مصداق «شجره طیبه»، به دو روایت استناد می‌کند: شیعه از امام جعفر صادق علیه السلام در تفسیر این آیه، روایت کرده است که شجره خبیثه، «بنی امیه» و شجره طیبه، «رسول خدا صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام و آنچه از وی متولد شده» است، می‌باشد. (آلوسی، ۱۴۱۵/۷، ۲۰۳) ابن مردویه از عدی بن حاتم روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند قلب بندگان را زیور و کرد و بهترین عرب، قریش بود. این قوم، همان شجره مبارکه‌ای است که خداوند درباره آنها در قرآن فرمود: "مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ" (آلوسی، ۱۴۱۵/۷، ۲۰۳).

۱-۵-۱-۲. بررسی و ارزیابی دیدگاه آلوسی درباره «شجره طیبه»

با توجه به آنچه ذکر شد، مبرهن است که آلوسی مصداق صحیح «شجره طیبه» را مشخص نکرده است. اینکه منظور از شجره طیبه، قریش باشد، سخن صحیحی نیست؛ زیرا در صورتی که یک امت و یا یک طایفه مبارک باشند، به این معنی نیست که همه دودمان آنها - مانند بنی عبدالدار، ابوجهل و ابولهب - مبارک باشند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۶۴/۱۲). آنچه این مطلب را تأیید می‌کند سخن عایشه به مروان بن حکم است؛ آنجا که بدو گفت: «من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم، که به پدرت و جدت می‌فرمود: «شما شجره ملعونه در قرآن هستید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۸/۲۵۸).

براین اساس، روایت دوم - که آلوسی نقل کرده است - «عام» و روایت اول «خاص» است که با توجه به ارزیابی گفته شده و با حمل روایت «عام» بر «خاص»، مصداق حقیقی و واقعی این آیه، اهل بیت علیهم السلام - که از طایفه قریش هستند - است.

۱-۶-۱-۲. آیه «مرج البحرين»

از آیاتی دیگری که دلالت بر فضیلت فوق العاده و جلالت شأن برای حضرت علی علیه السلام، همسرش و فرزندانش دارد، آیات ۱۹-۲۲ سوره الرحمن است که می‌فرماید:

مَرْجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ * بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ * فَبِأَيِّ آءِالَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ * يُخْرِجُ مِنْهُمَا الْمُلُوءَ وَالْمُرْجَانَ.

دو دریا را [به گونه‌ای] روان کرد [که] باهم برخورد کنند، میان آن دو، حدّ فاصلی است که به هم تجاوز نمی‌کنند، پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را منکرید؟

از هر دو [دریا] مروارید و مرجان برآید.

آلوسی ذیل این آیه روایتی را از ابن عباس و انس بن مالک نقل می‌کند که منظور از دو دریا در آیه «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ» علی ع و فاطمه ع، منظور از برزخ و حائل میان آن دو، رسول خدا ص و مقصود از لؤلؤ و مرجان در «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ» حسن و حسین ع هستند. وی همچنین تصریح دارد که «اگر» این روایت صحیح باشد، آن تفسیر آیه نیست، بلکه تأویلی همانند تأویلات صوفیان نسبت به بسیاری از آیات است. همچنین وی در پایان می‌گوید که علی ع و فاطمه ع نزد من از نظر علم و فضل از دریای محدود، بزرگ‌تر بوده و هر یک از حسنین ع، نزد من زیباتر و جالب‌تر از لؤلؤ و مرجان هستند؛ به طوری که قابل شمارش و حساب نیست. (آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۴/۱۰۶)

۱-۶-۱-۲. بررسی و ارزیابی دیدگاه آلوسی درباره آیه «مرج البحرين»

اذعان صادقانه آلوسی نسبت به مقام این بزرگواران درخور تحسین است؛ اما تردید وی در مورد روایت نیز صحیح نیست؛ زیرا از سویی هیچ اشکالی ندارد آنها را از نظر بزرگی فضل و علم و زیادی خیر به دریا تشبیه کرد؛ چرا که دریا به دلیل وسعت داشتن، دریا نامیده می‌شود (استرآبادی، ۱۴۰۹) و از سوی دیگر، این حدیث، با طرق متعدّد از سوی اهل تسنن از پیامبر ص نقل شده است (رک. حسکانی، ۱۴۱۱، ۲۸۴/۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ۱۴۳/۶). از این رو، تردید در این تأویل و سپس استناد آن به تأویل‌های بی‌مدرک و ساخته افکار منحرف صوفیان، قابل قبول نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۹/۳۲۶).

۲-۲. دیدگاه آلوسی در آیات خاص حضرت زهرا ع

۱-۲-۲. سوره کوثر

این سوره شامل دو خبر غیبی و بشارت به پیامبر اکرم ص است؛ یکی دادن کوثر در آینده نزدیک که همان وجود حضرت فاطمه ع است که پاسخی عملی به دشمنان رسالت و نبوت می‌باشد و دوم، ابتر بودن دشمنان رسالت که در آینده اتفاق خواهد افتاد. آلوسی درباره سبب نزول سوره کوثر از قول ابن عباس روایتی نقل می‌کند:

بزرگ‌ترین فرزند رسول خدا ص قاسم بود، سپس زینب، بعد عبدالله و بعد از او ام‌کلثوم و آنگاه فاطمه ع و در آخر رقیه. قاسم از دنیا رفت و اولین نفر از فرزندان آن

حضرت بود که در مکه از دنیا رفت، بعد از او عبدالله از دنیا رفت. در این هنگام عاص بن وائل سهمی گفت: «نسل او قطع شده، پس او ابتر است». در جواب او خداوند این

آیه را فرستاد که خود عاص بن وائل ابتر است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ۴۸۲/۱۵)

هرچند وی بر طبق روایاتی دیگر، شماتت کننده را «ابوجهل» یا «عقبه بن ابی معیط» یا «ابولهب» معرفی کرده است، اما در نهایت، «عاص بن وائل» را همان «شماتت کننده» معرفی می کند. (رک.، آلوسی، ۱۴۱۵، ۴۸۲/۱۵) این مفسر درباره «کوثر»، هفده قول از باب «تمثیل و تخصیص» ذکر کرده است که عبارتند از: نهری در بهشت، حوض خاص رسول خدا ﷺ در محشر، اولاد رسول خدا ﷺ، اصحاب و یاران پیامبر ﷺ تا روز قیامت، علمای امت پیامبر ﷺ، قرآن و فضائل بسیار آن، نبوت، تیسیر قرآن و تخفیف شرایع، اسلام، توحید، نبوت، علم و حکمت، ایثار، فضائل رسول خدا ﷺ، مقام محمود، نور قلب شریف رسول خدا ﷺ و خیر کثیر (آلوسی، ۱۴۱۵، ۴۷۹/۱۵-۴۷۸). آلوسی تنها ذیل معنای اولاد، روایتی را آورده که این سوره در رد کسی نازل شده که به پیامبر ﷺ نسبت ابتر داده است (۱۴۱۵، ۴۷۹/۱۵). بعد از ذکر این اقوال و در ادامه، «کوثر» را بر وزن «فوعل» از ماده کثرت می داند که برای مبالغه به کار می رود (آلوسی، ۱۴۱۵، ۴۸۰/۱۵). آلوسی سپس «بتر» را به معنای «قطع کردن و بریدن» دانسته و لذا «ابتر» را کسی می داند که از نظر نسل و ذریه یا نیک نامی بلا عقب باشد (آلوسی، ۱۴۱۵، ۴۸۱-۴۸۲). وی در پایان، پیامبر ﷺ، نسل، ذریه و نام نیک او را تا روز قیامت پایدار می داند به طوری که قابل توصیف نیست (آلوسی، ۱۴۱۵، ۴۸۲/۱۵).

۲-۱-۲- بررسی و ارزیابی دیدگاه آلوسی درباره سوره کوثر

در تحلیل محتوایی نظرات آلوسی می توان اظهار داشت که تنها دو قول «نهری در بهشت» و «حوض خاص رسول خدا ﷺ در محشر» مستند به روایت است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۷۰/۲۰) جدای از این امر، از اقوال ذکر شده، تنها قول «خیر کثیر» مناسب این شأن است؛ زیرا اول اینکه با توجه به معنای ابتر (منقطع نسل) و نوع جمله - که قصر قلب (رک.، سیوطی، ۱۴۲۱، ۶۵/۲) بوده - مراد از کوثر، یا «کثرت ذریه» یا «خیر کثیر و کثرت ذریه» است - «کثرت ذریه» یکی از مصادیق «خیر کثیر» می باشد - است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۷۰/۲۰). خود آلوسی هم به این مطلب اذعان نموده است که از «کوثر»، کثرت فراوان استنباط می شود (آلوسی، ۱۴۱۵، ۴۸۰/۱۵).

دوم اینکه فایده ذکر حرف «إِنَّ» در عبارت «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ»، توجه به همین دو معناست (طباطبایی، ۱۴۱۷/۲۰، ۳۷۰/۲۰)؛ زیرا حرف «إِنَّ» علاوه بر تأکید، تعلیل را نیز می‌رساند. بنابراین، آنچه تعلیل می‌شود باید با بعد از این حرف در تناسب باشد که این تناسب تنها با ذکر «خیر کثیر» محقق می‌شود، نه مواردی مثل «تفویض حوض»؛ چرا که معنا ندارد گفته شود «ما به تو حوض دادیم، زیرا بدگوی تو ابتر است» (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ۶۳۸/۲۰).

با توجه به آنچه آلوسی ذکر کرده است، می‌توان گفت که هر چند وی به ابقای نسل و ذریه و نام نیک پیامبر ﷺ تا روز قیامت و معنای تقریبی کوثر- کثرت فراوان- اشاره دارد، به طور مستقیم به «خیر کثیر» یا «کثرت ذریه» در معنای «کوثر» اشاره‌ای نکرده و حتی به نام حضرت زهرا ؑ که این سوره در شأن وی نازل شده است هم اشاره‌ای نداشته است.

۲-۲-۲. آیه ذی القربی

خداوند در آیه ۲۶ سوره اسراء بر ادای حق «ذی القربی» تأکید می‌کند و می‌فرماید: «وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا؛ وَحَقُّ خَويش‌آوند را به او بده و مستمند و در راه مانده را [دستگیری کن] و ولخرجی و اسراف مکن» (اسراء: ۲۶). مراد از «ذی القربی» در این آیه با توجه به تفسیر «قربی» در آیه مودت، همان خویشاوندان رسول خدا ﷺ هستند که نزدیک‌ترین مصداق آن حضرت زهرا ؑ است.

آلوسی در ذیل آیه فوق از ابی سعید خدری روایت کرده است: «هنگامی که این آیه نازل شد رسول خدا ﷺ، فاطمه ؑ را صدا کرد و فدک را به او عطاء نمود». با وجود این، وی معتقد است این خطاب تنها اختصاص به پیامبر ﷺ ندارد؛ زیرا سوره اسراء مکی بوده و این آیه استثنایی از مکی بودن سوره نیست تا نشان دهد در زمان نزول این آیه، فدک تحت تصرف رسول خدا ﷺ بوده است. از این رو، حضرت زهرا ؑ بعد از وفات پدر خود آن را با عنوان ارث طلب نموده است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ۶۱/۸)

۲-۲-۱. بررسی و ارزیابی دیدگاه آلوسی درباره آیه ذی القربی

با توجه به مطلب فوق، خاطر نشان می‌شود که آلوسی در اعطای فدک به حضرت زهرا ؑ تشکیک ایجاد می‌کند؛ چرا که وی معتقد است فدک قبل از وفات رسول خدا ﷺ تحت تصرف آن حضرت بوده و آن را به دختر خود نبخشیده و حضرت زهرا ؑ آن را بعد از وفات

پدر خود با عنوان ارث طلب کرده است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ۸/۶۱) برای این اساس، حضرت زهرا علیها السلام در مطالبه فدک «ناحق» خواهد بود. حال آنکه هرچند با توجه به روایات مطرح شده، خطاب در این آیه تنها به شخص پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است، اما اگر حتی خطاب در این آیه را شامل پیامبر صلی الله علیه و آله و غیر او هم بدانیم، تضادی با یکدیگر ندارد و قابل جمع هستند؛ زیرا در این صورت، مفهوم آیه گسترده بوده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و خویشاوندان او، به ویژه حضرت فاطمه علیها السلام، کامل ترین مصداق آن هستند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲/۶۳۱).

همچنین بیشتر مفسران به مدنی بودن این آیه معتقدند (زمخشری، ۱۴۰۷، ۲/۶۴۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ۲/۲۹۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۶/۶۰۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۳/۶)؛ زیرا از سویی وجود آیات مدنی در میان سوره های مکی و برعکس مورد اتفاق فریقین است و از سوی دیگر، خود آلوسی در ابتدای این سوره روایتی را بیان می کند که در آن آمده است: «تمام این سوره مکی است به جز پنج آیه از آن، که یکی از آنها آیه «ذی القربی» است» (آلوسی، ۱۴۱۵، ۳/۸). از این رو، آلوسی با طرح مکی بودن آیه، درخواست حضرت زهرا علیها السلام از ابوبکر در هنگام گرفتن فدک بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله را ناحق جلوه داده است. به عبارت دیگر، وی با مطرح کردن این مسئله، عدم حقانیت حضرت زهرا علیها السلام در مواجهه با ابوبکر برای مطالبه فدک را نشان داده است. طبق آیه هشتم سوره حشر، ملک فدک از جمله اموال «فیء» پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است؛ زیرا متعلق به اموال کفار «اهل قری» بود که خداوند اختیار اموال آنان را به رسول خدا صلی الله علیه و آله سپرد و خبر داد که تمامی این اموال، ملک شخصی ایشان است و به هر نحوی می تواند در آن حکم کند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۹/۳۹۰)

این مطالب تأکیدکننده این است که برخی از اموال عمومی به ویژه فدک قبل از نزول این آیه، تحت تصرف پیامبر صلی الله علیه و آله بوده که با نزول آیه ذی القربی آن را به حضرت زهرا علیها السلام بخشیده و آن ملک متعلق به آن بزرگوار و حق ایشان بوده است؛ در حالی که بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله آن را از غاصبان طلب نمود. دستگاه خلافت (بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله) با استدلال بر حدیث «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورِثُ مَا تَرَكَنَاهُ صَدَقَةٌ؛ ما گروه پیامبران، چیزی به ارث نمی گذاریم، آنچه از ما باقی می ماند، صدقه است» (مسلم، بی تا، ۱۵۲/۵؛ ترمذی، ۱۴۰۳، ۲/۸۲)، سعی در تملک فدک داشت که حضرت زهرا علیها السلام با استناد به ارث بری حضرت سلیمان از حضرت

داود در آیه «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ» (نمل: ۱۶)، ارث بری فرزند حضرت زکریا در دعای آن حضرت در آیه «يَرْثُنِي وَيَرِثُ مِنْ عَالِ يَعْقُوبَ» (مریم: ۵) و... آن را حق خود اظهار کرد که این استعمال [ارث بری] در بیانات حضرت زهرا علیها السلام نیز منافاتی با آیه «وَأْتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ» ندارد؛ زیرا «ارث» به مطلق آنچه از شخصی به دیگری - ولو اینکه در حیات موروث باشد - می‌رسد، گفته می‌شود.

۲-۳. آیه اعطاء

خداوند در آیه پنجم از سوره ضحی که به آیه اعطاء معروف است، می‌فرماید: «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ؛ و به زودی پروردگارت تو را عطا خواهد داد تا خرسند گردی». بر اساس روایات، این آیه در شأن حضرت زهرا علیها السلام نازل و بیان‌کننده مقام شفاعت آن بزرگوار است.

آلوسی مفهوم این آیه را با روایتی از حرب بن شریح چنین اظهار می‌دارد:

من به امام باقر علیه السلام گفتم که به نظر شما این شفاعتی که اهل عراق بر سر زبان‌ها دارند، حق است؟ فرمود: «آری! به خدا سوگند، عمویم محمد بن حنفیه از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آن قدر از اتم شفاعت می‌کنم که خداوند خطاب می‌کند، ای محمد! آیا راضی شدی؟ عرضه می‌دارم: بلی! پروردگارا راضی شدم». «آنگاه رو به من - حرب ابن شریح - کرد و فرمود: «شما به اهل عراق می‌گویید: از تمامی آیات قرآن آیه‌ای که بیش از همه امیدبخش است، آیه «یا عِبَادِیَ الَّذِیْنَ اَسْرَفُوْا عَلٰی اَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوْا مِنْ رَحْمَةِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ یَغْفِرُ الذُّنُوْبَ جَمِیْعًا» (زمر: ۵۳)، است؟» عرضه داشتم بله؛ ما این طور معتقدیم، فرمود: «اما ما اهل بیت علیهم السلام می‌گوییم آیه «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ» که راجع به شفاعت است از همه آیات در کتاب خدا امیدبخش‌تر است». (۱۴۱۵، ۱۵/۳۷۹)

وی همچنین در ادامه با ذکر روایتی از «جابر بن عبدالله انصاری» می‌گوید:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله بر فاطمه علیها السلام وارد شد، دید فاطمه مشغول آسیاب کردن است، در حالی که عبايي از پشم شتر بر خود افکنده. هنگامی که به او نگاه کرد، فرمود: «یا فاطمه بشتاب و تلخی دنیا را برای نعیم آخرت فردا بچش». به دنبال این جریان بود که آیه «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ» نازل شد. (آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۵/۳۷۹)

بنابراین، صاحب روح المعانی به نزول این آیه در شأن حضرت زهرا علیها السلام اشاره می‌کند.

وی در پایان با لفظ «قیل» پاره‌ای از روایت را با محتوای عظیم بودن شأن آیه و مصادیق

اعطای آن در دنیا و آخرت نقل کرده است. بر این اساس، هر چند وی در بیان مفهوم آیه اعطاء به مقام شفاعت و شأن نزول آن برای حضرت زهرا ع به دوروایت جداگانه اشاره دارد، اما نظری که این مقام را برای آن حضرت اثبات کند، نفیاً یا اثباتاً بیان نکرده است. در حالی که از نظر شیعه قطعی است این آیه در شأن حضرت زهرا ع و برای شفاعت از دیگران در روز قیامت نازل شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۷/۸ و ۱۴۳/۱۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ۳۶۱/۶؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ۳۱۱/۲۰؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ۵۹۴/۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ۲۲۴/۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۷۶۵/۱۰) حال آنکه از منظر اهل تسنن عدم ارتباط آن با حضرت ع قطعی است.

۲-۲-۴. آیه «برترین خانه، خانه حضرت زهرا ع»

خداوند در آیه ۳۶ سوره نور می فرماید: «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ؛ در خانه‌هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود. در آن [خانه]ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می‌کنند».

بر اساس روایات، منظور از «بیوت» در این آیه، بیت حضرت علی ع و حضرت زهرا ع است. آلوسی در بیان مصداق «بیوت» به روایتی از پیامبر ص اشاره می‌کند که فرمود: «وقتی پیامبر ص آیه «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ» را خواند، مردی برخاست و پرسید: «یا رسول الله ص! این کدام بیوت است؟» فرمود: «بیوت انبیاء ص». پس ابوبکر بلند شد و گفت: «یا رسول الله ص! لابد یکی از این بیت‌ها، بیت علی ع و فاطمه ع است؟» فرمود: «بله؛ از بهترین آن بیوت است». (آلوسی، ۱۴۱۵/۹/۳۶۷)

وی سپس بر این باور است که «اگر» این روایت صحیح باشد، عدول از آن شایسته نیست. (آلوسی، ۱۴۱۵/۹/۳۶۷)

۲-۲-۴-۱. بررسی و ارزیابی دیدگاه آلوسی درباره آیه «برترین خانه، خانه حضرت زهرا ع»

با وجودی که آلوسی به مصداق صحیح آیه اشاره نموده، باز با دید تردید بدان نگریده است؛ حال آنکه این تردید صحیح نیست؛ زیرا نه تنها با اسناد مختلف نقل شده است، بلکه شیعه و اهل سنت در کتب خود آن را ذکر کرده‌اند. (رک. ثعلبی، ۱۴۲۲، ۱۰۷/۷؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ۱/۵۳۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۲۲۷/۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ۱۴-۱۵۲-۱۵۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ۵۰/۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۲۵/۲۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ۳۱۲/۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۴۲/۱۵) همچنین مؤید روایت فوق، آیه تطهیر است؛ زیرا

مقصود از رفع بیوت انبیا، اوصیا و به ویژه حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام، تعظیم و پاک کردن آنها از آلودگی هاست (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲۲۷/۷).

۲-۵. آیه «نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»

یکی دیگر از آیاتی که آلوسی ذیل آن در مورد شخصیت حضرت زهرا علیها السلام سخن می‌گوید آیه ۴۲ سوره آل عمران است که خداوند می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛ و [یاد کن] هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم، خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر زنان جهان برتری داده است».

لقب «سیده نساء العالمین» هم برای حضرت زهرا علیها السلام و هم حضرت مریم علیها السلام ذکر شده است، اما طبق این آیه، مورد استفاده این لقب برای آن دو بزرگوار، متفاوت است. آلوسی در مورد تفسیر «نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» دو مطلب را بیان می‌کند: نخست، افضلیت مریم علیها السلام بر جمیع زنان در همه اعصار که در این صورت مریم علیها السلام بر فاطمه علیها السلام برتر است و دوم، برتری وی تنها بر زنان زمان عصر خود. وی با استناد به روایات زیر، قول دوم را قبول می‌کند (آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۴۹/۲).

ابن عساکر از ابن عباس روایت کرده است که گفت: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سیده زنان اهل بهشت مریم، دختر عمران، سپس فاطمه، خدیجه و آنگاه آسیه همسر فرعون است» (۱۴۱۵، ۱۴۹/۲). به عبارت دیگر و با توجه به اینکه منظور از «عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» تمامی زنان است، باید مریم علیها السلام بر فاطمه علیها السلام نیز برتر باشد، اما آلوسی در ادامه تصریح می‌کند گفته شده منظور از برتری حضرت مریم علیها السلام، افضلیت وی بر زنان عصر خود است. وی در تأیید این مسئله، روایتی را ذکر می‌کند که از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است: «چهار زن، سادات زنان دوران خود هستند: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله که دوران فاطمه علیها السلام با فضیلت‌تر از دوران آن سه تن است» (آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۴۹/۲).

براین اساس، وقتی مردم دوران فاطمه علیها السلام برتر از مردم دوران آن سه تن باشند، فاطمه علیها السلام نیز از تمامی زنان - حتی از آن سه تن - نیز برتر است. (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ۳۳۶/۳). نکته آخر اینکه، آلوسی معتقد است که حضرت زهرا علیها السلام بر تمام زنان عالم برتری دارد؛ زیرا از

حضرت زهرا علیها السلام روایتی را ذکر می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله به وی فرموده است: «تویی سیده زنان اهل بهشت، نه مریم بتول». همچنین وی در تأیید این مطلب روایتی از امام محمدباقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «فاطمه علیها السلام از تمامی زنان متقدم و متأخر افضل است؛ از این جهت که دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله است و همچنین از جهات دیگر». (آلوسی، ۱۴۱۵/۲، ۱۴۹)

آلوسی در پایان نتیجه می‌گیرد که از سویی روایت امام محمدباقر علیه السلام نزد ائمه مشهور است و از سوی دیگر، روایات ذکر شده، افضلیت حضرت زهرا علیها السلام بر غیر را انکار نمی‌کنند؛ زیرا وی بر آن است که روح و روان رسول خدا صلی الله علیه و آله (حضرت زهرا) از هر موجودی برتر است؛ از این رو بر مریم و عایشه نیز برتری می‌یابد». (آلوسی، ۱۴۱۵/۲، ۱۵۰-۱۴۹)

آنچه مسجّل است این است که آلوسی، اعتقاد به افضلیت حضرت زهرا علیها السلام بر تمامی زنان در سرتاسر جهان دارد و در این زمینه روایات و مطالبی را به صورت فوق ذکر می‌کند که شیعه به آن تصریح دارند. (رک. ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸/۴، ۳۱۹؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵/۱، ۳۳۶؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ۶۱۸/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲/۴، ۶۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴/۲، ۵۴۲)

۳. بحث و نتیجه‌گیری

آلوسی در تصویرپردازی شخصیت حضرت زهرا علیها السلام دچار تذبذب و سرگردانی شده است؛ زیرا وی در برخی از آیات و سوره‌ها نه تنها به نزول آیه در شأن حضرت زهرا علیها السلام اشاره دارد؛ بلکه در آن آیه فضیلتی را نیز برای آن حضرت ذکر کرده است؛ مانند سوره انسان، آیات مباحله و نساء العالمین که آن حضرت را به ترتیب، «دارای حرمت، همراهی با پیامبر صلی الله علیه و آله در روز مباحله و برترین زن جهان» معرفی کرده است. صاحب *روح المعانی* در آیات «مودت، اعطاء، شجره طیبه» و سوره کوثر، بدون اینکه مقام حضرت زهرا علیها السلام را اثبات یا انکار نماید، در روایات مربوط به شأن نزول آنها، بجز اعطاء، نیز «دچار تردید» شده و در آیه شجره طیبه، طریق جمعی بین سبب نزولها اظهار نکرده است.

وی در بعضی دیگر از آیات بعد از ذکر سبب نزول آیه، در مورد شأن نزول و مفهوم آیه «تردید» وارد می‌کند. مانند آیه مرج البحرين و آیه «برترین خانه، خانه حضرت زهرا علیها السلام». این مفسر به صورت مستقیم در مورد عصمت حضرت علیها السلام در آیه تطهیر «تشکیک» وارد

کرده است و در آیه ذی القربی آن حضرت را «طلبکار ناحق» نشان داده است. ایشان در بسیاری دیگر از آیات نیز نفيًا یا اثباتًا مطلبی را درباره حضرت زهرا عليها السلام ذکر نکرده است؛ حال آنکه آن آیات درباره حضرت زهرا عليها السلام است؛ مانند آیه ایثار، آیه خمس و

مخاطب با مطالعه تفسیر روح المعانی از سویی با اذعان هایی از سوی آلوسی درباره آیات نازله در شأن اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله مواجه بوده و از سوی دیگر، با عدم اعتراف ها و تشکیک های وی در موارد دیگر برخورد می کند. از این رو، ضروری است تحقیق و پژوهشی مبسوط درباره آنها صورت پذیرد که از جمله آنها می توان به موضوع بررسی و ارزیابی سندی و متنی روایات مورد استناد آلوسی در آیات شبه هدار بر فضایل اهل بیت عليهم السلام در دیدگاه آلوسی اشاره کرد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۲). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
۱. ابوالفتح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸). *روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
 ۲. اخوان مقدم، زهره (۱۳۹۲). آیه تطهیر در آینه شعر عرب. تهران: انتشارات نبأ.
 ۳. استرآبادی، علی (۱۴۰۹). *تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة*. قم: جماعة المدرسين.
 ۴. آلوسی، محمود (۱۴۱۵). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۵. بحرانی، هاشم (۱۴۱۶). *البرهان فی تفسیر القرآن*. تهران: بنیاد بعثت.
 ۶. بشوی، محمد یعقوب (۱۳۸۶). شخصیت حضرت زهرا عليها السلام در قرآن از منظر منابع اهل سنت. نشریه پژوهش نامه حکمت و فلسفه اسلامی، ۲۱، ۱۱۵-۱۴۴.
 ۷. بشوی، محمد یعقوب (۱۳۸۷). شخصیت حضرت زهرا عليها السلام در قرآن از منظر تفاسیر اهل سنت. نشریه پیام، ۸۸، ۵۷-۹۰.
 ۸. بغوی، حسین (۱۴۲۰). *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*. محقق: عبدالرزاق المهدی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۱۰. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۰۳). *سنن ترمذی*. بیروت: دارالفکر.
 ۱۱. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق (۱۴۲۲). *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). *تفسیر تسنیم*. قم: اسراء.
 ۱۳. جوادی آملی، عبدالله (بی تا). *سروش هدایت*. قم: اسراء.
 ۱۴. حسکائی، عبیدالله بن احمد (۱۴۱۱). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
 ۱۵. حسن وندی، محسن، و اکبرنژاد، مهدی (۱۳۹۰). بررسی و نقد دیدگاه آلوسی در مورد آیه تطهیر. کتاب قیم، ۱۲۸-۱۱۱.
 ۱۶. رحمانی همدانی، احمد (۱۳۷۸). *فاطمة الزهراء عليها السلام بهجة قلب المصطفى*. تهران: منبر.
 ۱۷. زمخشری، محمود (۱۴۰۷). *الکشف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دارالکتب العربی.
 ۱۸. سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱). *الإتقان فی علوم القرآن*. بیروت: دارالکتب العربی.

۱۹. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
۲۲. عروسی حویزی، علی بن جمعه (۱۴۱۵). *نور الثقلین*. قم: اسماعیلیان.
۲۳. فخر رازی، ابو عبدالله (۱۴۲۰). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. قاسم پور، محسن (۱۳۸۹). بررسی دیدگاه آلوسی در آیه مباحله از منظر مفسران شیعه. *نشریه علوم قرآن و حدیث*، ۸۴، ۱۱۳-۱۳۶.
۲۵. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸). *کنز الدقائق و بحر الغرائب*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۲۶. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). *بحار الأنوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۷. مسلم، ابن حجاج نیشابوری (بی تا). *صحیح مسلم*. بیروت: دار الأفاق الجدیده.
۲۸. معارف، مجید (۱۳۸۷). سیمای حضرت زهرا علیها السلام در روایات اهل تسنن. *نشریه مطالعات راهبردی زنان*، ۳۹، ۶۷-۳۵.
۲۹. معارف، مجید (۱۳۹۱). *شخصیت شناسی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بر پایه کتاب و سنت*. تهران: پژوهشکده حج و زیارت.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). *بیام قرآن*. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۳۲. موسوی همدانی، محمد باقر (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه.
۳۳. نوروزی، رضا، و دوست محمدی، میثم (۱۳۹۴). نقد و بررسی دیدگاه آلوسی در تبیین اراده تکوینی در آیه تطهیر. *نشریه تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، ۲۷، ۱۵۵-۱۷۳.





پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی